



تیلوفر مالک، نویسنده رمان «انتقام» از بیان غیرمستقیم مفاهیم دینی در آثار داستانی می گوید

۱۰

الگو برداری از معصومین در داستان امروزی

تیلوفر مالک، نویسنده رمان «انتقام» از بیان غیرمستقیم مفاهیم دینی در آثار داستانی می گوید

۱۰

دوشنبه ۳۰ بهمن ۱۴۰۱ | ۱۴ رجب ۱۴۴۴ | سال سی و یکم | شماره ۸۶۹۷

همیشه یک زندگی



۱۲

«قمار آنلاین» بازنده می شود

باصوبه مرکز ملی فضای مجازی قرار است ۱۱ دستگاه به صورت هماهنگ با قمار آنلاین مقابله کنند

۱۲

یاد شهیدان

چند نکته تربیتی

زینب اسلام دوست، مادر شهیدان «مجید و مهدی تربیتی» فرزندانش چنین می گویند: زمان بار داری می گویند: در تهران زندگی می کردیم... دوران سخت خفقان شاهنشاهی بود... سعی من بر این بود ضمن رعایت طهارت و پاکی، تعالیم عالیه وحی را در زمان بارداری لحاظ کنم... تأمل و دقت بسیار در فکری که از ذهن من به عنوان یک مادر می گذشت، داشتم و نسبت به تغذیه و خوردن غذای طیب و طاهر و حلال، در دوران بارداری بسیار دقت می کردم، چون معتقد بودم تأثیر زیسادی روی جنین دارد.

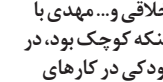


ما خانوادگی، اهل روضه و جلسات مذهبی بودیم. از همان کودکی بچه‌ها را همراه خود به هیئت می بردیم و در مجالس روضه شرکت می کردیم. این عادتی شده بود برای آنها که همیشه در این مجالس شرکت می کردند. علاقه مندی و عشق به ائمه اطهار (ع) در آقا مهدی خیلی نمود داشت. او همیشه نام مبارک ائمه (ع) را با احترام خاص و ذکر القاب مقدس به کار می برد، به ویژه وقتی نام حضرت زهرا (س) بر زبانش جاری می شد، اشک در چشمانش حلقه می زد. مهدی و مجید در شب‌های احیا همیشه حضوری فعال در مسجد داشتند. ما هم حتماً اصرار داشتیم که بچه‌ها در میان مردم حضور پیدا کنند، به ویژه در مکان‌های مقدس چون حرم، نماز جمعه و...

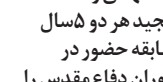
مدتی بود که بیکار شده بود، با اندک پس انداز زندگی را به سختی می چرخاند بی آنکه زن و فرزندانش بدانند. کار در کارخانه مشروب‌سازی به او پیشنهاد شد، حقوقش خوب بود. وقتی می خواست از خانه خارج شود تا برای نخستین بار برود سمت مشروب‌سازی، همسرش سفارش کرد نان بگیرد، خانه بدون نان بود. هر چه به محل کار خانه نزدیک تر می شد بیشتر شک می کرد. تا به آن روز به کار و درآمدش شک نکرده بود، هر چه کار کرده بود و دستمزد گرفته بود، همگی پاک و طیب بودند... اما زندگی هم سخت می گذشت، زن و فرزندانش چشم به راه بودند... بالاخره تصمیمش را گرفت، مسیر رفته را برگشت، با اطمینان و توکل بر خدا برگشت. پولی نداشت برای خانه نان بگیرد، همسرش در را که باز کرد ششاداب و پر از نان گفت: «دستت درد نکند، نان‌هایی را که فرستاده بودی آوردند!» و خداوند چقدر زود جویبار داده بود وقتی از نان ناپاک و شهیدار دست کشیده بود. خودش معتقد است تأثیر لقمه حلال است که فرزندش عبد الواحد محمدی را به فیض شهادت رساند و لیاقت دفاع در راه وطن را نصیب دیگر فرزندانش کرد. این همان مسیری است که شهید محمد حسین فهمیده هم در آن برگ کشید. مهمانی آنکه همسر شهید محسن حججی تأکید می کند لقمه حلال پدر شهید، محسن را به چنین جایگاهی رساند و همانی است که مادر شهیدان قربانی می گوید فرزندانم با لقمه حلال بزرگ شدند، لقمه حلالی که داستان همیشه زخمی پدرشان از کار بنایی، گواه آن بود. خود کارهای رنگی روی میز پدر و سوسه‌ام می کرد. اگر روزی از مدرسه به محل کارشان می رفتم تمام آن نقشه می کشیدم که از کدام رنگ برای کدام تکلیفم استفاده کنم. هر بار اما پدر همه نقشه‌هایم را نقش بر آب می کرد. ما اجازه نداشتیم از آنها استفاده کنیم، خود کارها متعلق به محل کار بودند نه مال پدر. من امروز یک همسرم، بارها از خداوند خواستم سنگین و نابه جایی از مرد خاتم نداشتنم تا مبادا برای ما برود کدزنش، پاکی و درستی رزق و روزی‌مان را فراموش کند. بارها از خداوند خواستم خودش ما را از لقمه ناپاک دور نگه‌دارد. من یک مادرم و سعی می کنم فرزندانم در عین تلاش و ممارست، قناعت را هم ببینند و در هیاهو و شوق پیشرفت، حلال و حرام را یکی نکنند. هر روز با ذکر و نام خدا، نان حلال را برایشان لقمه می گیرم و در دل دعای کنم حق را به درستی از باطل تشخیص دهند. من یک مادرم و تلاش می کنم به فرزندانم بیاموزم آنچه خداوند را خشنود می کند و مسیری که خودش بر ایمان روشن کرده است، بهترین مسیر هاست.



در تحصیل خود جوش بودند. کسی به آنها تذکر نمی داد و به تشویق آنها نیازی نبود. خودشان بسیار جدیت داشتند. مهدی، زودتر از ۷ سالگی به مدرسه رفت و یک سال را جهشی خواند. مهدی با خواهرش شایسته، مسابقه کتابخوانی می گذاشت البته نه کتاب‌های درسی بلکه کتاب‌های سرگشت ائمه اطهار (ع). نفع البلاغه، کتاب‌های اخلاقی و... مهدی با اینکه کوچک بود، در کودکی در کارهای بیرون خانه، همکاری بار پدر بود و در منزل هم، با من همکاری و مشارکت داشت.



آقا مهدی و آقا مجید هر دو سال سابقه حضور در دوران دفاع مقدس را داشتند و در بخش‌های مختلف مانند اطلاعات عملیاتی و فرماندهی لشکر مسئولیت‌هایی بر عهده آنها بود. در عملیات باستانی که منجر به شهادت هر دو شد آقا مجید و آقا مهدی باهم تصمیم گرفتند تا در عملیات شرکت کنند و دوستانشان را تنها نگذارند. از اینکه فرزندانم در راه اسلام، انقلاب و امام خمینی (ره) شهید شدند خرسندم و افتخار می کنم که چنین فرزندانانی داشتم که در جنگ فاتح نبرد شدند.



روایت مادر شهیدان «محمد، عبدالحمید، رضا و نصرالله جنیدی» در کتابی با نام «مگر چشم تو دریاست» توسط انتشارات شهید کاظمی و به نویسندگی جواد کلاته عربی به چاپ رسیده است. این کتاب سرشار از روایاتی از احساس و عواطف مادرانه و واگویی‌های مادری شهید داده است که با خاطراتی از اینار و از خودگذشتگی این خانواده و به خصوص مادر شهید همراه است. این کتاب روایت مادری است که در تنهایی‌اش با ۴ پسر شهیدش درد دل می کند اما وقتی کنارش می نشیند تا برایت از فرزندان شهیدش سخن بگوید، مثل روزهای اول جنگ، آتشین حرف می زند، سر بالا می گیرد و زینب‌وار روایت فتح می کند. او در این کتاب از همسرش می گوید که وقتی پشت تریبون نماز جمعه می ایستاد و مردم را به جنگ و جهاد و حمایت از امام و انقلاب فرامی خواند، خودش در این راه پیشقدم شد. بخش‌هایی از متن این کتاب، به فعالیت‌های حاج آقا جنیدی، حاج خانم جنیدی، دامادها و عروس‌های این خانواده مجاهد در پشت جبهه می پردازد.



عکس همشهری/ رضا نوریانه

بچه‌ها را به خرید کالای وطنی تشویق کنیم

«فاطمه مطلق» مؤسس مجموعه خانه ایرانی، ایده‌های جالبی برای حمایت از تولید ملی در میان خانواده‌ها دارد

شهره کیانوش راد

روزنامه‌نگار

«فاطمه مطلق» زمانی که «خانه ایرانی» را در زیرزمین خانه پدری‌اش راه‌اندازی کرد، فکرش را هم نمی کرد که روزی بتواند فضای کوچک و ۴۰ مترمربعی این خانه را توسعه دهد. اکنون ۸ سال از راه‌اندازی «خانه ایرانی» می‌گذرد و این بانوی کارآفرین توانسته است با توسعه کار و راه‌اندازی شعبه در آق‌نقطه تهران، ایده اولیه خود را برای عرضه کالای ایرانی اجرا کند. مطلق، در کنار ادامه تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد و تربیت ۴ فرزندش، زمینه کارآفرینی برای بیش از ۲۰۰ نفر را فراهم کرده و اجناس ایرانی را از راه فروش اینترنتی و حضوری به دست مشترکین پیر و پافرض کالای ایرانی می‌رساند. او یکی از زنان و مادرانی است که برای ترویج فرهنگ استفاده از کالای ایرانی و حمایت از تولیدکنندگان برنامه‌های متنوعی را در محل کسب و کارش اجرا کرده است. با او درباره افت و خیزها، شکست‌ها و موفقیت‌هایی که بر سر راه داشته، گفت‌وگو کرده ایم.

خانه ایرانی تقریباً ۲۰ نفر به صورت مستقیم مشغول به کار هستند. ما با چند کارگاه تولیدی برای سفارش محصولات در ارتباط هستیم و بالغ بر ۲۰۰ نفر در این کارگاه‌ها و در واحد حمل‌ونقل سفارش محصولات خانه ایرانی اشتغال دارند. با اشتغال آفرینی که انجام شده، آن علامت سوآلی که در ذهن خانواده یا اطرافیان بود، برطرف شد و قانع شدند که این کار ارزش وقت‌گذاشتن را داشت.

دسترسی سخت به طرح‌های ایرانی

تولیدات کالاهای ایرانی و اجناسی منطبق با طرح‌های ایرانی اگر چه به نسبت چند سال گذشته بیشتر شده، اما فاطمه مطلق معتقد است که همچنان بر سر انتخاب محصولات برای فروش در خانه ایرانی با مشکلاتی روبه‌رو می‌شود؛ «تولید کالای ایرانی نسبت به چند سال گذشته بهتر شده، اما بخش سختی کار که باقی مانده و سخت‌تر هم شده این است که هنوز محصولات با طرح‌های ایرانی-اسلامی و منطبق با فرهنگ ما تولید نمی‌شود. اغلب تولیدکنندگان از تصویر قهرمان‌ها و کارتون‌های خارجی استفاده می‌کنند و ۹۰ درصد محصولات تولید شده با معیار انتخاب ما برای عرضه در خانه ایرانی

منطبق نیستند. سعی کرده‌ایم با طراحان تولیدکنندگان صحبت کنیم که بتوانیم از طرح‌های خیلی زیبا و مخاطب‌پسند استفاده کنیم. اینها قدم‌هایی است که ما برای عرضه محصولات در خانه ایرانی برداشته‌ایم. خانه ایرانی تا جایی که از عهده‌اش بر می‌آمده قدم برداشته، برخی جاها مؤثر بوده و برخی جاها هم نه! در بحث تولیدات انبوه حتماً نهادهای فرهنگی باید وارد عمل شوند و این موضوع فرنگسازی شود. به نظر من این زمینه با تخصص بیشتر و به صورت متمرکز باید وارد عمل شد و البته در انتخاب طرح‌های ایرانی موردپسند مخاطب هم باید دقت لازم را داشت. باید برای کودکان و نوجوانان‌مان از اهمیت خرید کالای ایرانی حرف بزنیم و آنها را به این مسیر تشویق کنیم.»

شکست، زمینه‌ای برای پیشرفت کار

فاطمه مطلق در حالی که ۴ فرزند دارد، در کنار مدیریت ۲ شعبه خانه ایرانی در تهران و ۱۱ نمایندگی در شهرستان‌ها، تحصیلات دانشگاهی خود را در مقطع کارشناسی ارشد ادامه داده است. او در هشتمین سال فعالیت خانه ایرانی، چندین بار طعم تلخ شکست را در دنیای کسب‌وکار تجربه کرده است؛

حضور دلنشین خانواده‌های شهدا در افتتاحیه

مکت

آخرین روز سرد دی ماه شعبه دوم خانه ایرانی در فضای مناسب و وسیع‌تر افتتاح شد تا همه اعضای خانواده بتوانند همراه هم لوازم مورد نیاز خود را از این خانه خرید کنند. مثل همیشه مادران و خانواده معظم شهیداهایممان ویژه این مراسم بودند تا به گفته مدیر خانه ایرانی قدیمی در راه تجلیل از آنها و مقام شامخ شهدا برداشته شود. فاطمه مطلق در این باره می‌گوید: «وقتی در پایان مراسم از بین ده‌ها عکسی که همکاران عکاس و فیلمبردار برایم فرستاده‌اند جست‌وجو می‌کردم، هیچ‌کدام برایم مثل این عکس دلنشین نبود. در طول مدتی که از تأسیس خانه ایرانی می‌گذرد که طوعش با یاری گرفتن از شهدای گمنام شهرک شهید محلاتی بود، هر گاه سختی یا مشکلی برایم



ایجاد می‌شد فقط این شهدا را داشتم که دست به دامنشان بشوم... در روز افتتاحیه که چهره مادر شهید را دیدم که عکس پسرش را با عشق در بغل گرفته، جفا کردم، در دلم گفتم: خدا با من بیش این بانوی بزرگ که با همه وجود فرزندی را بزرگ کرده و تقدیم انقلاب کرده چه بسایر عرضه دارم؟ یک فروشگاه؟! برای همسر جوان مدافع حرمی که با دختر کوچکش آمده از چه بگویم؟ با تمام وجود عذرخواهی می‌کنم از اینکه اگر زندگی‌ام را به غیر از خدمت به انقلاب و رهبر عزیزتر از جانم هدر دادم و دستم خالی است... در این ۷ سال و هر روز عزیزی را دیدم که به خاطر عشق به رهبرشان و ارادت به شهدا و انقلاب به خانه خودشان آمدند و از کالای کشورشان حمایت کردند.»

اجرای برنامه‌های فرهنگی در خانه ایرانی

مکت

فاطمه مطلق امسال در مراسم اختتامیه سیزدهمین جشنواره مردمی فیلم عمار، برای ترویج فرهنگ استفاده از کالای ایرانی نشان مردمی استقلال را دریافت کرد. مدیر خانه ایرانی معتقد است که باید از هر فرصتی برای اجرای برنامه‌های فرهنگی استفاده کرد؛ «خانه ایرانی سعی می‌کند ارزش‌های سازمانی خود را با اجرای برنامه‌هایی نشان دهد و بگوید چه چیز برای ما مهم و ارزشمند است. این پیام‌ها را در قالب طرح‌های فرهنگی به صورت غیرمستقیم به مخاطب منتقل می‌کنیم. دعوت از مادران شهدا یکی از برنامه‌های ما است تا نشان دهیم ما قدر دان شهدایی هستیم که برای امنیت و آرامش ما جان خود را فدا کرده‌اند. معتقدیم پدرمندان بایرکت است و حضورشان برای ما در خانه ایرانی ارزشمند است.»



تجلیل از مادر شهید سلمان امیر احمدی به مناسبت روز مادر

هویت خانه ایرانی با رویکرد خانواده

مکت

چند سال ابتدایی راه‌اندازی خانه ایرانی اغلب اجناس ارزان‌شده مخصوص بانوان و کودکان بود و ورود آقا‌بان به خانه ایرانی ممنوع بود، اما به مرور با افتتاح محلی بزرگ‌تر، شرایط حضور و خرید برای خانواده‌ها فراهم شده است؛ «با توجه به اینکه آقا‌بان هم متقاضی حضور و همراهی با خانواده‌هایشان بودند، چند سالی است که آقا‌بان هم می‌توانند به خانه ایرانی بیایند و پوشاک و لوازم مورد نیاز خود را تهیه کنند. در شعبه جدید ما سعی کردیم با تکیه بر محور خانواده، جذابیت فروشگاه را بیشتر کنیم و با تنوع کالا بر محور خانواده متمرکز شویم. تلاش می‌کنیم تا محیط فروشگاه‌های خانه ایرانی به محیطی با آرامش برای همه اعضای خانواده تبدیل شود تا خریدی لذتبخش را تجربه کنند.»

